

## جایگاه امام علی(ع) در آراء کلامی اسماعیلیه

فاطمه جان احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

توافق بر سر وصایت و جانشینی علی(ع) موضوع مشترک میان همه فرق شیعی است و شاخص تفکر شیعی انقیاد در برابر ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) است. در میان فرقه های شناخته شده شیعه، اسماعیلیان قرائتی متفاوت از جایگاه امام علی(ع) در سلسله مراتب ائمه دارند. جایگاه ممتاز و متفاوت امام علی(ع) و گاه منحصر بفرد وی در سلسله مراتب ائمه اسماعیلیه یافت پاسخ این پرسش اساسی را ضروری کرده است که جایگاه علی(ع) در سلسله مراتب ائمه اسماعیلیه چیست؟ و این که تغییر و تطور جایگاه امامت علی بن ابی طالب(ع) در سلسله مراتب ائمه چه تاثیری بر سلسله مراتب ائمه اسماعیلیه به عنوان هفت امامیان داشته است؟ دستامد این پژوهش به شیوه مطالعات تاریخی متکی بر منابع متقدم اسماعیلیه نشان داد که در منابع متقدم اسماعیلیه

---

<sup>۱</sup> دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا janahmad2004@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۱۳

علی (ع) امام است منصوص که ضمن برخورداری از وصایت و وزارت نبی اکرم(ص) و دارا بودن مقام اخوت از مرتبه اساس به عنوان عالی ترین رتبه در سلسله مراتب علوی هم برخوردار است. در عقاید آنها این مرتبه به همراه وصایت تنها مختص علی(ع) است و هیچ یک از امامان هرگز در این مرتبه قرار نمی گیرند. همین انحصار و این تغییر جایگاه در آراء متکلمان اسماعیلی همواره تابع تغییر بنیادین تفکرات کلامی ایشان بوده و همواره در جهت تقویت مشروعیت فاطمیان کاربست یافته است.

**کلید واژه ها: علی بن ابیطالب(ع)، اسماعیلیه-فاطمیان، مراتب امام، اساس، وصی، نص.**

#### ۱. مقدمه

قوام ایدئولوژی شیعه بسته به جایگاه کاریزماتیک و بی بدیل علی بن ابی طالب(ع) است. (ابن منصور الیمن، بی تا: ۶۴) جدایی مقام دنیوی خلافت از جایگاه معنوی امامت که به روایت خلیفه دوم به سرعت و بی تدبیر در سقیفه رقم خورد، (البلاذری، ۱۹۹۶: ۵۸۳/۱ و الیعقوبی، بی تا، ۱۵۸/۲) موجبات افتراق تشیع از پیکره مسلمانان صدر اسلام را فراهم آورد. گرچه ابتدا این جدایی به نظر افتراقی سیاسی توأم با موضع گیری مذهبی و روشی بود، اما کمتر از چند دهه با موضع گیری های علی(ع) در عصر حکومتش به جریانی مذهبی مبدل شد که سر منشاء آن اجتهاد و رفتارهای مذهبی، فقهی و سیاسی علی(ع) و فرزندانش در ادوار بعد بود. گرچه دانسته است که تکوین شیعه مذهبی بر بینادهای فقهی دیر زمانی تا عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) به طول انجامید و پس از امام صادق(ع) در سال ۱۴۸هـ ق نیز در چرخشی مذهبی فرقه ای نویناد از تشیع با دعوی طرفداران اسماعیل بن جعفر صادق به نام اسماعیلیه که ردای امامت را بر محمد بن اسماعیل افکنند، جدا شد. (البلاذری، ۱۹۶۲، ۲۳۱/۱۰) گرچه متأثر از رفتارهای امام صادق(ع) و اقوال ایشان در مراسم تدفین اسماعیل می توان خیزش فکری جاعت اسماعیلیه را هم عصر امام صادق(ع) دانست. (المفید، بی تا: ۲۰۱/۲) زیرا مرگ اسماعیل پیش از پدر هم نتوانست به غائله ی دعاوی پیروان اسماعیل مبتنی بر نص او پایان دهد، لیکن از شدت اثرات آن بسرعت کاست. زیرا نص موسی الکاظم (ع) هم پیروان بسیاری داشت. (المفید، بی تا: ۲۰۲/۲) این

کاهش اقبال اسماعیلیه در آستانه مرگ محمد بن اسماعیل بدرستی پیداست. زیرا پس از درگذشت محمد بن اسماعیل در سال ۱۶۹هـ.ق باردیگر اسماعیلیان نخستین دچار سردرگمی و افتراق مصداق امامت منصوب شده، به سه پاره تقسیم شدند. برخی محمد بن اسماعیل را امام قائم القیامه دانستند و مرگش را انکار کردند، (التمیمی المغربی، ۱۴۱۴: ۳۰۹/۳-۳۱۰)، او را مهدی منتظر دانستند و برخی دیگر نص را بفرزندش عبدالله نهادند و عده ای نیز با رجوع به موسی الکاظم(ع) بر اشتباه خود در پذیرش محمد به عنوان امام اقرار کردند و او را امام حقیقی دانستند (التمیمی المغربی، ۱۴۱۴: ۳۱۰/۳-۳۱۱). از این پس تا سقوط دولت فاطمیان بر سر مصداق امامت بارها اسماعیلیه افتراقاتی را تجربه کرد که می توان از میان آنها به دروزیه، مستعلویه، نزاریه، طیبیه، آمریه و حافظیه اشاره کرد.

به هر تقدیر موضوع سلسله امامان فاطمی تا اسماعیل بن جعفر نزد فرق شیعه اسماعیلیه دچار تشتت نیست؛ مگر در پذیرش مقام امامت علی(ع) و امام حسن مجتبی(ع)، که به دلیل اهمیت موضوع هفت امامی و ترتیب ائمه در این مقاله به جایگاه امام علی(ع) به تناسب ضرورت در آراء کلامی اسماعیلیه پرداخته خواهد شد. این ضرورت ناشی از آن است که علی رغم شباهت های بسیار تفکرات ابتدایی اسماعیلیان و شیعیان اثنی عشری در باب مقام علی(ع) و سایر ائمه تا امام صادق(ع) (التمیمی المغربی، ۱۴۱۴: ۳/۲۹۱-۲۹۳) حتی در فقه و مبانی اعتقادی می توان این افتراق کلی را در مقام علی بن ابیطالب(ع) در سلسله امامان جستجو کرد. در میان فرق اسماعیلیه جایگاه علی(ع) یکسان تلقی شده است. تمام فرق اسماعیلیه امام علی(ع) را منصوص و سرسلسله امامان می دانند (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۱۶) اما پس از تکوین ساختار فکری اسماعیلیه و جدایی کامل از شیعیان دوازه امامی به منظور تدوین خودانگاره اسماعیلیه و قاعده بندی سلسله امامان و درنهایت یافت وجه اعتقادی برای موضوع هفت امامی (سبعه) جایگاه علی بن ابیطالب(ع) در این ساختار تبیین شده است. (ابن منصور الیمن، بی تا، ۶۱؛ السجستانی، ۲۰۰۰م: ۱۶۹ به بعد) بدین منظور مقاله حاضر در پی آن است تا کاویدن منابع و با رویکردی توصیفی - تحلیلی به این سوال اساسی

پاسخ دهد که امام علی(ع) در سلسله مراتب ائمه اسماعیلیه از چه جایگاهی برخوردار است؟ و این که تغییر و تطور جایگاه امامت علی بن ابی طالب (ع) در سلسله مراتب ائمه، چه تاثیری بر مراتب ائمه اسماعیلیه و نگره ی هفت امامیان داشته است؟ در پاسخ به این سوالات فرضیه مطرح اینک: به نظر می رسد امام علی(ع) که در مرتبه امامت منصوب، (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۱۲ و ۱۱۶) وصایت، وزارت قرار داشت، (التمیمی المغربی، ۱۴۲۳: ۲۰۷) در آراء اسماعیلیه به جایگاه اساس تغییر منزلت و مرتبه داد. بدین ترتیب که دیگر مرتبه و جایگاه علی(ع) تنها رتبه امامت نبود، بلکه مقام وصایت رسول خدا (ص) و انتقال دهنده نص، علم لدنی به دیگر امامان منصوب و همچنین مقام اساس که بالاترین و بی بدیل ترین مقام امامت بلافصل نبی است را دارا بود. یافت پاسخ این سوال و آزمون فرضیه مطرح با شیوه توصیفی - تحلیلی قابل بازیابی و استخراج از لابلای اطلاعات منابع متقدم اسماعیلیه خواهد بود.

## ۲. جایگاه امامت در آراء اسماعیلیه

موضوع امام و امامت یکی از اصلی ترین اصول اعتقادی شیعیان بطور عام و اسماعیلیان بطور خاص است. مطابق این اصل امام تنها جانشین مشروع رسول خداست (ص) و به عنوان رئیس عالیه شرع در اداره امور مسلمین جایگاهی بی بدیل داراست. (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۰۲) این جایگاه خطیر با نقش معنوی و مهم امام در تأویل و تفسیر معنای باطنی کلام پیوندی ناگسستنی دارد. (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۶۶ - ۷۳) در عقیده و باور اسماعیلیان، امام از یک سو معلم دین، (ابن الولید، بی تا: ۶۶) آگاه به رموز قرآن (رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۸ - ۲۴۹) و از دیگر سو حاکم عادل منصوب الهی است. به همین دلیل در آموزه های شیعه بطور عام و در تفکر مذهبی اسماعیلیه بطور خاص امام نخستین و مهم ترین رکن دین بشمار می آید. (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۷۰ و ابن خلدون، بی تا، ۱۹۶) ائمه بطور خاص مرکز دایره فرائض دینی هستند و سایر ارکان و فروع دین چون طهارت، نماز، روزه، زکات، حج، جهاد مطابق آیات الهی (النساء/ ۵۹) در گرو ولایت اوست. (الکرمانی، ۱۹۸۷: ۱۸۱) او درجه ی و میزان تعادل ایمان، قلب جسم و عقل کامل است. او وارث علم باطنی پیامبر (ص)، دانای ظاهر و باطن معانی قرآن و شریعت اسلام است. (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۷۲) امام باب رحمت است و بی او درهای توبه بسته است. (التمیمی المغربی، ۱۹۹۶: ۲۹) قاضی نعمان متأله

فاطمه جان احمدی ۱۲۷

اسماعیلی(م۳۶۳هـ) معتقد است امام همان کسی است که حلال را حلال ، حرام را حرام می کند او برپا کننده حدود الهی است . ( همان ، ۶۰) طبق آموزه های متکلمان اسماعیلی همه خطا پذیران دنیوی محتاج ارشاد امام هستند. راهیابی به بهشت تنها به اذن امام میسر است. ( ابن هانی، دیوان، پیشین. ص ۷۳). او باب رحمت خدا (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۲۹) و اسباب شفاعت و مغفرت ، ( همان ، ۳۰) است. امام نگاهبان شریعت و وارث نبوت و هدایت کننده انسانها به صراط مستقیم است (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۸۶ و رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۹) بی او درهای توبه بسته است. ( التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۲۹) او باب الحوائج و در گشوده ای برای حاجتمندان (التمیمی المغربي ، ۱۹۷۸: ۴۸۸) و اساس رحمت و نعمت خدا بر خلق است. (التمیمی المغربي ۱۹۹۶: ۴۲) او زمام دین و نظام مسلمین ، صلاح دنیا و عزت مؤمنین و بطور کلی اساس اسلام و فروع آن بشمار می آید. (ماجد، ۱۹۸۵: ۷۳)

در آموزه های اسماعیلیه امام تنها کسی است که گشاینده در دنیای پر رمز و راز شریعت است؛ و تنها غموض و باطن دین در او پاسخ می یابد. امام تنها کسی خواهد بود که می تواند حق باطن را ادا نماید و خواسته های عقل محض را با قوانین ظاهری که همه اقتدار جامعه در آن متجلی است را سازش دهد. ( هاجسن، ۱۳۶۹: ۱۳-۱۴). مطابق با آموزه های اسماعیلیان امام برگزیده خداوند تبارک و تعالی به روی زمین است و هرگز منتخب مردم نیست. ( ابن الولید، بی تا: ۱۰۰ و الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۵-۱۰۸ و ابن خلدون، بی تا: ۱۹۶-۱۹۷؛ الشیال، ۲۰۰۲: ۲۱۵) براین اساس امت مسلمان داور اعمال و رفتار او نیستند و نمی توانند امام را نقد کنند، همان گونه که نقد افعال و کردار و اقوال پیامبر (ص) به عنوان مظهر اراده الهی و جانشین خدا بر زمین خطاست و پذیرفتنی نیست، رفتارها و اقوال امام هم قابل نقد نیست. این درحالی است که براساس ضرورت و جوب امام در آراء اسماعیلیه وظائف امام از همان ضرورت تداوم وظائف عقیدتی ، تبلیغی و حکومتی پیامبر (ص) ناشی می شود. ( ابن الولید، بی تا: ۶۸) به همین جهت بی نصب امام معصوم مبرا از کبائر و صغائر، (ابن

خلدون، بی تا: ۱۹۶) وظائف نبی استمرار نخواهد یافت و شریعت معطل خواهد ماند. (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۶) زیرا امام همه وظائف پیامبرانه را مگر ابلاغ وحی داراست. به همین دلیل امام ادامه دهنده راه رسول خدا(ص) و پیوسته و متصل به اوست. اتصال و پیوستگی امام به نبی موجب شده است تا او معلم شریعت و مفسر شرع و منبع همه علوم (ابن الولید، بی تا: ۶۵ و ۸۸، الکرمانی، ۱۹۸۷: ۴۲ و ابن الطویر، ۱۹۹۲: ۳۹) و خزانه حکمت بشمار آید. (ابن الولید، ۸۴ و الشیال، ۲۰۰۲: ۲۳۵) مقام ناطق در عالم دین به واسطه امام محفوظ می ماند. (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۵۷۴-۵۷۵). زیرا صاحب شریعت اسرار دین را به او ودیعه داده است. (الکرمانی، ۱۹۸۳، ۵۷۴-۵۷۵). از این رو امام معنای باطنی همیشه ثابت احکام و قوانین شریعت را می داند. او آگاه از کنه دین و دانای کلام الهی و فرائض عبادی و حدود شرعی است. به همین دلیل امام منصوب تنها حلقه واسط میان مراتب علوم الهیه و اهل تأویل (امامان)، برای بیان جنبه باطنی نبوت است. ائمه یگانه حافظان علم و حکمت حقیقی هستند. آنان از طریق داعیان عالم خود علم و حکمت ودیعه نهاده شده الهی را در همه جا منتشر می کنند. (هالم، ۱۳۷۷: ۲۶) بدین ترتیب آنان براین باورند که زمین هرگز از وجود امام خالی نخواهد بود، (القریشی، بی تا: ۳۴۱) و می بایست همواره امامی زنده و فعال در عرصه دینی حضور داشته باشد. (طوسی، ۱۴۱۳: ص ۸۵ و همدانی، ۱۳۸۸: ۱۶). این حضور جدی و کارآمد مستلزم این است که تمامی صفات و ویژگی های لازم از امام پیشین به امام بعدی منتقل شود و از آنجا که کمال امام در دیگری جز امام پدید نمی آید، هرگاه امام در گذرد، روح او به امام دیگری منتقل می شود، تا آن کمال در وی پدید آید. (ابن خلدون، بی تا: ۱۹۸) با این توضیح نزد اسماعیلیان امامت معمولاً بالاترین مرجع جهان خاکی به شمار می آید. وقتی امام باشد دیگر به وصی یا اساس و ناطق نیازی نیست. زیرا ناطق و اساس عموماً هر هزاره ای یک بار ظهور می کند و همیشه وجود ندارند. (واکر، ۱۳۷۷: ۱۰۸ و هاجسن، ۱۳۶۹: ۲۷)

مطابق این ممیزات امام اسماعیلی می بایست دارای صفات و شرایطی باشد تا ضمن کسب مشروعیت، بتواند مقبولیت خود را نیز در جامعه احراز کند. (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ۱/ ۴۶). در میان شروط امامت دارا بودن اصل نصّ (القلقشندی، بی تا: ۲۴۳/۳). آنهم نصی صریح و روشن (الشیال، ۲۰۰۲: ۲۱۵) لازم و ضروری بود، تا بتواند تداوم سلسله امامان

فاطمی و احراز قدوسیت اهل بیت و انتقال سایر صفات الهی به شکل موروثی از رسول خدا (ص) به نخستین آنها یعنی امام علی (ع) و از طریق او به آخرین آنها را فراهم آورد. (الشیال، ۲۰۰۲: ۲۲۸) اثبات نص با دلائل قرآنی و روایی (همدانی، ۱۳۸۸: ۸۳) که عمدتاً همان مستندات دانشمندان شیعه امامیه است از یکسو و تاکید بر قاعده لطف<sup>۱</sup> از دیگر سو در گفتمان مسلط متکلمان اسماعیلی منعکس و مندرج است. امامت منصوص الهی به مثابه لطف متکی بر قاعده ای عقلی<sup>۲</sup> بر ضرورت وجوب امام صحه می گذارد و به موجب آن امام تقدسی دوچندان می یابد. این تقدس از یک سو ضرورت شناخت امام را ایجاب می کند، یعنی هرکس بدون شناخت امام زمان خویش بمیرد به مرگ جاهلی مرده است. (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ۲۷ و ۲۵/۱ و همو، ۱۴۱۴: ۵۱۲/۲-۵۱۳ و الشیرازی، ۱۹۹۴: ۲۷۶ و القریشی، بی تا: ۳۴۱ و القلقشندی، بی تا: ۲۴۲/۱۳) از دیگر سو مطابق آیات قرآنی (النساء/۵۹) امام ساحتی واجب الاطاعه می یابد. (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۶۵ و الشیرازی، ۱۹۹۶: ۷۱ و ابن الولید، بی تا: ۹۰، الشیرازی، ۱۹۴۹: ۲۶) که این یعنی اطاعت از اولی الامر در کنار اطاعت از خدا و پیامبر (ص) و اولی الامر همان امامان و اهل بیت هستند. (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۱۲ و ۳۰) منابع اسماعیلیه این مطلب را با روایت امام صادق (ع) تأیید و تکمیل کرده اند. (همان، ۶۵).

<sup>۱</sup> طبق آیین اسماعیلی ضرورت وجوب امامت منصوص الهی با دلائل عقلی و شرعی اثبات می شود و دلائل قرآنی و روایی نیز که عمدتاً همان مستندات دانشمندان شیعه امامیه است، این مدعا را اثبات می کنند. و همچنین فقهای اسماعیلی چون شیعه امامیه وصایت امام را همچون نبوت ناشی از لطف خداوندی می دانند.

<sup>۲</sup> امامت نیز لطف است و چون هر لطفی بر خدا واجب است پس مقدمه صغری که همان لطف است ضروری است و کبرای قضیه یعنی اینکه انجام هر لطفی بر خدا واجب است در علم کلام به ثبوت رسیده است. جمال الدین ابن مطهر حلّی، الفین فی امامة امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع)، قدم له الموسوی الخراسانی، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۸ هجری ۱۹۶۹ م، صص ۱۱-۱۲.

با این توضیح امام اسماعیلی مدعی نصّ و نصب الهی به عنوان وصی امام پیش از خود دارای مرجعیت مشروع دینی (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۸۰-۸۱) و راهبری سیاسی است. (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۳۷۳ و ۵۷۴-۵۷۵ و الشیال، ۲۰۰۲: ۲۳۹) براین اساس متکلمان و پیروان آنان معتقدند امامان فاطمی تنها امامان حقیقی امت اسلامی (هالم، ۱۳۷۷: ۲۶) و خلیفه علوی، معصوم، مشروع و محق، و اسوه حسنه (الشیال، ۲۰۰۲: ۲۴۲) هستند و خلفای اموی و عباسی غاصبانی بیش نیستند. (تاریخ اسلام، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

در زمره دیگر صفات امام افزون بر نص، احراز اعلمیت هم برای ائمه اسماعیلی تعیین کننده است. این ویژگی هرچند به ظاهر در شمار باورهای مشترک میان اثنی عشریه و اسماعیلیه قرار دارد، اما در میان فرقه اخیر گاه معنایی فراتر و متفاوت تر از امامیه یافته است و در چمبره مبالغه گرفتار آمده است. براساس باورمندی به اعلمیت متکلمان اسماعیلیه معتقدند امام منصوص فاطمی به عنوان میراث بر نبی، دانای علم لدنی (التمیمی المغربی، ۱۹۷۸: ۲۳۱ و کرمانی، ۱۹۸۳: ۵۷۵) و علوم الهی، (أربعة كتب اسماعيلية، ۲۰۰۲: ۳۷) است او حافظ و ضابط معنای درونی و باطنی شریعت است، چنان که قاضی نعمان المعزالدین الله (م ۳۶۳هـ) را دارای علم فطری می داند و اینکه او از همه علوم وقت مطلع است. (التمیمی المغربی، ۱۹۷۸: ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۱۴۸).

اسماعیلیان نخستین براین باورند که شریعت دارای ظاهر و باطن است. نبی یا ناطق موظف به وضع شریعت و ارائه بواطن شریعت به خلائق و نسخ شرع متقدمان خود است و امام یا اساس موظف به وضع تنزیل و بیان تأویل شریعت است. (همدانی، ۱۳۸۸: ۱۵) به عبارتی امام دانای تأویل باطنی تنها راه دریافت و شهود باطن ثابت شریعت و حقایق معنوی آن است. اسماعیلیان فاطمی بر اساس عقیده به وظیفه تعلیم توسط امام که به همین جهت نیز به تعلیمیه یا باطنیه شهرت یافته اند، (دفتری، ۱۳۷۸: ۷۲-۷۳) معتقدند اگر معمار بیان تنزیل و وحی پیامبر(ص) بود، شارح و مفسر عصر تأویل، امام است. معماهای بسیار باطن شریعت که در چمبره ظاهر اسیرند، تنها با دریافت های او که به علم و دانش الهی مجهز بود، مکشوف می شود. زیرا باطن شریعت همواره آشکار و مکشوف نیست، (واکر، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۸) دریافت همه آن نیازمند معلمی است که دانای اسرار و رموز الهی باشد. پس تعلیم شریعت بی معلم موثق و معتبر، هادی و مفسر محقق ره به جایی نمی برد. (التمیمی المغربی



۱۹۷۸: ۲۷۶) زیرا هیچ علمی بجز علم ائمه وجود ندارد. این علم و حکمت الهی از پیامبر (ص) به امام و از او به امام بعدی منتقل شده است. (همان، ص ۲۷۶). پس از امام داعیان برجسته و حجت های منصوب تعلیم دیده در محضر امام، بارمسئولیت تعلیم و آموزش را بر عهده داشتند. (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۹۴ و واکر، ۱۳۷۹: ۸۰)

افزون بر اعلمیت، دارا بودن امتیاز عصمت هم در زمره دیگر ویژگی های امام است. (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۹۶ به بعد) با مروری بر تاریخ اندیشه های کلامی شیعه می توان دریافت که همه این شرایط با امتیازات امام شیعه دوازده امامی برابری می کند. در آراء متکلمان اسماعیلی، عصمت مطلق امام فاطمی در سه زمینه تجلی می یابد: یکی مصونیت از هرگونه لغزش از خطا در گفتار و کردار و تبیین احکام و دستورات الهی است و دیگری مصونیت امام از ارتکاب گناه کبیره و سرانجام مصونیت از ارتکاب صغیره است. بسیاری از اندیشمندان اسماعیلی مذهب آنها در دوره اول خلافت فاطمیان، در باب وجوب عصمت به کفایت سخن گفته اند. (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۱۸۹ و ۱۹۶، و الکرمانی، ۱۹۶۹: ۹۶ به بعد و السجلات المستنصریه، ۱۹۵۴: ۱۲۳ و المؤید فی الدین، ۱۹۹۴: ۲۴۳)

از دیگر ویژگی امام اسماعیلی اینکه اساساً وی نمی بایست فردی عادی و یا فرهیخته‌ای به مفهوم متعارف باشد، بلکه بایستی دارای ویژگی های فوق بشری هم چون اعجاز هم باشد. این ویژگی می تواند به لحاظ جامعه شناسی به عقاید توده خاموش محتوا و سمت و سو دهد. (کوزر، ۱۳۷۸: ۱۴۸) چنانکه المستنصر در نامه ای مطول به علی صلیحی داعی الدعات یمن ضمن این ویژگی، بر جمیع امتیازات امام فاطمی تاکید می ورزد. (السجلات المستنصریه، ۱۹۵۴: ۱۲۳) هم معنایی اعجاز و کرامات به عنوان تجلی قدرت الهی در امام هم بر وجه معنوی اش می افزود و هم بیانگر برخورداری از میراث پیامبرانه در سلسله امامان بوده است. (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۱۸۹) در کنار این کرامات، غیب گویی و اطلاع دادن از آینده هم می توانست مزید بر صفات او قرار گیرد. چنانکه در منابع تاریخی به این گونه ویژگی های امام هم اشاره شده است. (المؤید فی الدین، ۱۹۹۶: ۲۷۹ قصیده ۳۷ و ابن

خلدون، بی تا: ۳۳۴-۳۳۵ والمقریزی، ۱۹۶۷: ۱/ ۷۱ و ۲۳۱) هرچند گاه این ویژگی انتسابی می توانست موقعیت و جایگاه امام را برکشد و مخاطراتی برای پیروان اسماعیلیه چون غلو فراهم نماید.

امامان اسماعیلی برای دعوت خویش از داعیان برجسته و حجت های منصوب تعلیم دیده بهره می بردند که داعی الدعات یا حجت جزایر به عنوان عالی ترین رتبه دعوت تعلیمات نهایی خود را در محضر امام، می دید و بارمسئولیت تعلیم و آموزش را در زمان فقدان امام بر عهده داشتند. (و التمیمی المغربی، ۱۹۷۸: ۹۴) بعدها دیده می شود که در سیر تطور اندیشه اسماعیلیان در سلسله مراتب نبی، امام، داعی الدعات و حجت تغییراتی صورت گرفت. از جمله تغییر جایگاه امام و حجت نسبت به نبی بود. چنانکه خواجه نصیر الدین طوسی هنگام تشریح مقامات دینی نزاری در انطباق میان مراتب عالم علوی و دنیوی به روشنی تأکید می کند که حجت امام لذکره السلام مظهر عقل اول، صورت بخش کمال مظهر نفس کلی پیغمبر علیه السلام است. (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۰۴) و نیز به تبع چرخش های فکری و فرگشت های فرهنگی در دوره های بعد بویژه نزاریان الموت از شرایط عصمت امام خبری نیست. برای نمونه ناصر خسرو هنگامی که از اختصاصات امام فاطمی سخن می گوید کمترین اشارتی به عصمت امام نمی کند. وی در ذیل آیه یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول آورده است:

”... پس گوییم که او را هفت چیز بیاید تا امامت او را باشد. نخست اشارت و سپردن امام گذشته باید که او را به امامت نصب کند و دیگر نسبت شریف باید که از اهل بیت رسول باشد تا او از دعای ابراهیم بهرمنند باشد. و سه دیگر علم دین بایدهش که بدان بلند شود درخت امامت، و چهارم باید که پرهیزگار باشد، چنانکه خدای تعالی گفت: إن اکرمکم عندالله اتقکم... پنجم باید که جهاد کننده باشد... ششم خصلت های نیکو بایدهش جز امامت چنانکه اندر پیغامبر بود جز نبوت از خوی نیک تا خدای تعالی مرو را گفت و إنک لعلی خلق عظیم، هفتم آن باید که بی نیاز باشد از دعوی کردن مر خویشان را از امامت از بهر آن که چون او دعوی کند خصم گردد و زیر حکم حاکم آید. آنگاه چون او خصم بود حاکم نتواند بودن بلک آن او را گناه باشد که چون ایشان دعوی کند.“ (ناصر خسرو، ۲۵۳۶: ۲۸۱-۲۸۲).

بنابراین با مقایسه میان آثار متقدم و متأخر اسماعیلیان در خصوص عصمت امام می توان به نوسان و افت و خیز اساسی تفکرات آنان در باره جایگاه امام پی برد. همین تفاوت بعدها در دوره های مختلف موجبات گرایشات غالی گرایانه افراطی در میان پیروان آنها شد. چنانکه بطرزی شگفت آور در اندیشه نزاریان الموتی مقام امام نسبت به جایگاه پیامبر ارتقاء و اعتلاء می یابد و حجت نیز هم طراز با نبی انگاشته می شود. برخی محققان این تغییرات را متأثر از متصوفه دانسته اند. هرچند بی شک این نحوه نگرش و تلقی ویژه از امام و حجت در اندیشه نزاری تحت تأثیر سقوط فاطمیان مصر و یک نیاز عمومی برای اعتلا بخشیدن به مقام حجت در میان طرفداران دعوت جدید و تفسیر و تحلیل جایگاه آنان بوده است تا بتواند شتاب بیشتری به طرح مشروعیت نزاریان ببخشد.

### ۳. پیوستاری مقام نبوت و مراتب امامت در آراء اسماعیلیه

اساس رویکرد ایدئولوژیک اسماعیلیه سلسله مراتبی است. ترسیم این سلسله مراتب به انحاء مختلف نشان می دهد که آنان در مطابقت جایگاه مقامات دینی و دنیوی و یا سلسله مراتب انبیاء اوصیا و ائمه اسماعیلیه سخت کوشیده اند. هرچند این رویکر سلسله مراتبی پر فراز و فرود است اما در میان اندیشمندان اسماعیلی نام حمید الدین کرمانی به عنوان متکلمی بر جسته که توانسته است تصویری مشخص از این سلسله مراتب و تطبیق آن با مراتب علوی و سفلی ارائه دهد می درخشد. در رأس طرح واره سلسله مراتبی نخست عقل اول یا مبدع اول قرار دارد که همان ناطق یا نبی است. مرتبه دوم به عقل ثانی (فلک الکواکب اعلی که در برگیرنده همه ی آنچه در عالم جسم دوم است که در ترتیب بعد از عالم جسم اول می آید و عبارت است از عالم هیولی و صورت قرار دارد که موسوم به اساس است و این همان جایگاهی است که تنها منحصر به علی (ع) است. در مرتبه سوم هم عقل سوم یا فلک زحل یا متمم اول یا همان امام قرار دارد که هم به علی (ع) و هم به ائمه بعدی از ذریه اش اختصاص دارد. پس از این سه مرحله عقول هفت گانه که به باب، حجت، داعی البلاغ،

داعی المطلق، داعی محدود، مأذون مطلق، مأذون محدود یا مکاسر(الکرمانی، ۱۹۸۳: ۲۵۶ و همو، ۱۹۸۷: ۳۳) اختصاص دارد قرا می گیرد.

در این سلسله مراتب علی بن ابی طالب(ع) پیوستار نبی اعظم(ع) و تنها وصی و جانشین بلافصل حضرت رسول اکرم(ص) است. (الکرمانی، ۱۹۸۷: ۱۳۸ و سجستانی، ۱۹۸۰: ۶۸). مقام علی(ع) پس از پیامبر اکرم(ص) که مقام ناطق شریعت و عقل اول است، همه مراتب وصایت، امامت و خلافت در علی یکجا جمع است(التمیمی المغربي، ۱۴۱۴: ۱۱۶/۱ و ابن الولید، بی تا: ۷۳). یعنی او جانشین و نماینده وثیق رسول خدا(ص) در دعوت عملی مردم به صراط مستقیم است. (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۵۷۴-۵۷۵ رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۹) علی به مثابه امام یا اساس، میراث بر ناطق است و بدین واسطه همه امامان بعدی از ذریه علی(ع) و فاطمه(س) از طریق امام حسین(ع) استمرار می یابند(ابن الولید، بی تا، ۶۵) و به واسطه نص او به عنوان نخستین امام، امام بعدی تعیین می شود. به عبارتی در سلسله مراتب امامان اسماعیلی با پذیرش امام علی(ع) به عنوان وصی، و امامت امام حسن(ع) به عنوان نخستین امام، امام جعفر صادق(ع) امام پنجم و پسرش اسماعیل وصی او و ششمین امام محسوب می شود. القریشی، بی تا: ۳۴۱ و الشیال، ۲۰۰۲: ۲۳۹) پس از امام یا اساس سلسله هفت گانه امامان قرار دارند(الکرمانی، ۱۹۸۳: ۱۸) که آخرین آنها امام رستاخیز یا قائم یا مقیم نامیده می شود. ۱ صاحب وصایت، که همان علی است، وصی بلافصل نبی یا ناطق شریعت بشمار می آید و در تمام دوره حیات نبی با او و در کنار او بسر برده است. (ابن الولید، همان، ص ۶۶) جوهره ی امام علی(ع) متصل به جوهره ی پیامبر اکرم(ص) و کمال او مشتق از کمال رسول خدا(ص) است. (ابن الولید، بی تا: ۶۵) اسماعیلیان معتقدند که مرتبه وصایت

۱. اساس و بنیاد نظام اندیشه دینی اسماعیلی در مرحله پیش از فاطمیان مصر پی ریزی شده است و بیشتر اطلاعات این دوره به دلایل مختلف تاریخی از جمله سری بودن دعوت و ستر ائمه اسماعیلی یا از میان رفته و یا در حاله ای از ابهام قرار دارد پی گیری برخی موضوعات تا حدودی ناممکن می نماید. و زمانی بر ابهام آن افزوده می شود که دریافت هنوز میان محققان اسماعیلی و فاطمی و فروع آن اختلاف نظرهای اساسی در مورد آیین اسماعیلی پیش از فاطمیان وجود دارد. ببینید، فرهاد دفتری، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۳.

بلافاصله پس از ظهور اسلام به علی(ع) داده شده است (منتخبات اسماعیلیه، ۱۹۵۸، ص ۲۲۹)

آنها معتقدند اگر در روی زمین نبی مبلغ الی الله و تنها «ناطق» فعال بر روی زمین باشد و تنها صاحب شریعت بشمار آید، امام جانشین رسول ناطق در همه این امور خواهد بود. و به او امام مقیم می گویند. رسولان ناطق نزد اسماعیلیه، آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و القائم می باشند که هر کدام دارای امامی مقیم اند که به عنوان «وصی» در کنار نبی می آموزند و وارث بلافصل پیامبر بشمار می آیند. (کرمانی، ۱۴۰۷: ۹۶-۹۷ و همو بی تا، ۲۰۴) همواره اوصیاء نخستین امام هر عصرند. وظیفه ی مخصوص این دسته ائمه به عنوان امین راز نبوت، دانای علم و حکمت و اسرار دقیقه، تأویل است (منتخبات اسماعیلیه، ۱۹۵۸، ص ۲۲۹)

( که ظاهر را به معنی مکتوم، یعنی به اصل آن می رسانند. در فهرست سلسله مراتب اسماعیلیان وصی، به مثابه عقل دوم است که وارث علم لدنی است و وظیفه اش تاویل شریعت و ایجاد تعادل میان ظاهر و باطن و پیوستگی مقام نبوت و امامت است. (کرمانی، بی تا ۲۰۵ و منتخبات اسماعیلیه، ۱۹۵۸، ص ۲۲۵)

در باور اسماعیلیان ادوار نبوت از هفت دور تشکیل می شود و هر مرحله از دوره ی نبوت، یعنی هر دوره ی غیبت، به وسیله ی یک ناطق و یکی وصی افتتاح می گردد، و یک یا چند دسته ی هفت گانه از امامان جانشین آنان می گردند. (سجستانی، ۲۰۰۰، ۱۷۸-۱۷۹) و سپس آن دوره به وسیله ی آخرین امام (یعنی قائم) یا امام رستخیز که دوران پیشین را خاتمه می دهد پایان می پذیرد و پس او امام «مقیم» است؛ یعنی پیامبر جدید را برمی انگیزد. با این توجه از نظر اسماعیلیان امامت دارای مراتب پنج گانه ی زیر است:

۱- امام مقیم: او کسی است که پیامبر ناطق را برمی انگیزد و این عالی ترین درجه ی امامت است و آن را «ربّ الوقت» نیز گویند.

- ۲- امام اساس: او وصی و جانشین پیامبر و امین راز و یاور او است و سلسله امامان مستقر در نسل او تداوم می یابند.
- ۳- امام مستقر: همان کسی است که امام پس از خود را تعیین می کند. راه تعیین امام از نظر اسماعیلیان دو چیز است: یکی وراثت، و دیگری نص امام مستقر.
- ۴- امام متمم: کسی که ادعای رسالت در آخر دور به او تمام می شود و او هفتمین امام در هر دور است و تمام کمالات شش امام قبلی را داراست.
- ۵- امام مستودع: او به نیابت از امام مستقر به انجام امور امامت قیام می کند و حق تعیین امام پس از خود را ندارد. وی را نائب الإمام نیز گویند.
- در باور اسماعیلیه دو مرتبه متمم و اساس و یک مقام وصایت در علی بن ابیطالب جمع است. (الکرمانی، ۱۴۰۷، ص ۹۴)

#### ۴. جایگاه علی(ع) در آراء کلامی اسماعیلیان

پذیرش مرجعیت دینی، پیشوایی مذهبی و راهبری سیاسی علی(ع) و اثبات حقانیت و جایگاه معنوی او پس از رسول خدا (ص) اساس تکاپوهای فکری، متکلمان شیعه بوده و هست. تعداد پر شمار آثار کلامی اسماعیلیه که گاه با نام "اثبات الامامه" نامبر شده اند و یا اختصاص ابواب مطولی در منابع متقدم ایشان به بحث امامت بویژه اثبات حقانیت علی(ع) حکایت از همین بایسته و ضرورت دارد.

بهره گیری از آیات و روایات در شناخت امام علی(ع) و تشریح جایگاه ائمه شیعه در آثار کلامی اسماعیلیه در اساس به منظور تحکیم مبادی فکری آنها به مقتضای زمان بوده است. آنچه پیش از این آمد حکایت از این دارد که اسماعیلیان جددین هم چون شیعیان اثنی عشری، علی(ع) را وصی و وزیر رسول خدا (ص) می دانند (التمیمی المغربی، ۱۴۲۳، ۲۰۷ به بعد، الکرمانی، ۱۴۰۷: ۸۰ و ۹۰) و او را سرسلسله امامان و حجت رسول خدا (ص) معرفی می کنند (ابن منصور الیمن، بی تا: ۳۳ و ۶۵) و با قرار دادن وی در مرتبه ی اساس به عنوان جانشین بلافصل رسول خدا (ص) (ابن منصور الیمن، بی تا: ۳۱ و ۶۹ و الکرمانی، ۱۹۸۳: ۲۷۲ و ۲۸۱) در اعتلای باطن و حقایق مکتوم دین نقشی اساسی برای وی قائلند. کرمانی در جای جای رساله الوضیّه به نقل از نبی مکرم اسلام (ص)، علی را به عنوان "قاضی دین" معرفی می کند (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۸۱ و ۹۳) در قرائتی مفسرانه از سوره فجر

جعفر بن منصور داعی متکلم یمن ، والفجر را رسول خدا(ص) و کیال عشر را امیرالمومنین علی(ع) معرفی می کند.(ابن منصور الیمن، بی تا: ۶۶) همو در مواردی نیز او را مصداق إرم ذات العماد می داند.(همان، ۶۷) قاضی نعمان هم در ذیل فصلی به نام ولایه امیرالمومنین و ائمه (علیهم السلام) در کتاب دعائم الاسلام ، ( ۱۴۲۶: ۱ / ۵۰-۶۶) موضوع ولایه امیر المؤمنین را در کنار دیگر عبادات عملی فریضه اعلام می کند(همان: ۱/۵۰-۵۲) و با تاکید بر ماجرای غدیر خم(همان: ۱ / ۵۲-۵۳ و ۵۶) و عرضه پاره ای از آیات ، روایات و احادیث، می کوشد حقانیت ولایت علی(ع) را اثبات نماید و او را وصی بعد از نبی و مفترض الطاعه معرفی کند(همان: ۱/ ۵۷ و همو، ۱۴۲۳: ۲۰۵-۲۰۷)

علی رغم سیطره گفتمان عقیدتی در فرهنگ اسماعیلیه، موضوع پذیرش علی(ع) در رویکردی سلسله مراتبی قابل توجه و قابل بحث است. زیرا پاسخ به این سوال اساسی که برآستی علی(ع) در فهرست ائمه اسماعیلی چه جایگاهی را بخود اختصاص داده است؟ تنها با بررسی های تاریخی و کلامی و کاوش اطلاعات در خلال منابع متقدم مقدور است. با بررسی منابع اسماعیلیه می توان جایگاه علی(ع) را صرف نظر از مقام وصایت و یا وزارت رسول اکرم(ص)( التمیمی المغربی، ۱۴۲۳: ۲۰۷) در موقعیت اساس هم جستجو کرد. (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۹۴) دانسته است که عالی ترین رتبه و جایگاه پس از ناطق به وصی (التمیمی المغربی، ۱۴۲۶: ۵۶/۱-۵۷ و الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۵-۱۰۶) و اساس می رسد(الکرمانی، ۱۴۰۷: ۹۴) که اصولاً در یک شخصیت آنهم حضرت علی(ع) خلاصه می شود. ، (حسن بن نوح الهندی البهروجی، بی تا، ۲۲۵-۲۲۶ و ۲۲۹). و می تواند به عنوان کانون اتصال میان نبی و امامان بعد از خودش قرار گیرد و وظیفه ی خطیر تأویل و تفسیر شریعت را تماماً بر عهده داشته باشد. همین انحصار جایگاه، او را از سایر ائمه ممتاز کرده است. باور به او و تمسک به نظام معرفتی اش، پویش صعودی نردبان رستگاری یا همان سلم النجاة و عروج نفس انسانی از هستی جسمانی دنیوی به سوی آفریدگار هستی را تسهیل می کند. زیرا این صعود که متضمن تزکیه نفس آدمی است بی درک امام علی(ع) میسر

نیست. (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۳۳۷). امام علی(ع) به عنوان مرجع دینی صاحب یگانه معنای باطنی و حقیقی وحی و تنها امامی است که جایگاه اساس را به عنوان هادی بشر در عالی ترین مقام الهی دارا است. (التمیمی المغربي، ۱۴۲۳: ۲۰۷-۲۰۸)

علی بن ابی طالب(ع) در فرهنگ کلامی اسماعیلیه، ضمن برعهده داشتن رسالت مهم هدایت جامعه و امت اسلامی وظیفه اکمال دین را نیز برعهده دارد. (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ۵۶/۱-۵۷ و الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۵-۱۰۶) برگرفته از این عقیده او معلم دین(ابن الولید، بی تا: ۶۶) و آگاه به رموز قرآن (رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۸-۲۴۹) و باطن شریعت است و حاکم عادل منصوب الهی پس از رسول خداست(ص). وی به مثابه مهم ترین رکن دین(ابن منصور الیمن، بی تا، ۶۷ و المؤید فی الدین، ۱۹۹۶: ۷۰ و ابن خلدون، بی تا: ۱۹۶) نقش مهمی را در ایم مذهب برعهده دارد. از این رو باقرار گرفتن ولایت علی(ع) در کانون دایره فرائض دین، شیعه بطور عام و اسماعیلیه بطور خاص از سایر فرق اسلامی جدا می شود.

در رویکردی ایدئولوژیک لزوم وقوف اساس یعنی علی(ع) بر باطن شریعت و دارا بودن توانایی در تأویل یعنی برکشیدن باطن از ظاهر قرآن کریم و توانایی در تفسیر و شرح معانی ظاهری و برکشیدن حقیقت معنوی و عینیت دادن به حقایق الهیه و گذار از حسنیات به عقلانیات، او را از مرتبه اساس به مرتبه ای دیگر با وظایفی خطرتر سوق می دهد. این مرتبه که در سلسله مراتب اسماعیلیه مهم و بسیار تعیین کننده است حجت نام دارد. برای قرار علی بن ابی طالب حجت خدا بر خلق بعد از نبی اکرم(ص) است(التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ۵۶/۱) و مقام و مرتبه حجت در او خلاصه است. (ابن منصور الیمن، بی تا، ۶۵) این مقام در شمار مراتبی است که در زمان حیات نبی اکرم(ص) احراز می شود. زیرا علی(ع) پیش از امامتش در کنار رسول خدا(ص) تنها حجت رسول خداست و نه امام که مقام امامت بسته به رحلت رسول خداست. جعفر ابن منصور داعی الدعاه نامور اسماعیلی یمن ضمن تشریح مقام حجت و انتساب آن به امام علی(ع) در تفسیر آیه "ولاتحاضون علی طعام المسکین(قرآن کریم: فجر/۱۸) می نویسد: مسکین همان حجت و طعام همان علم باطن است که حجت یعنی علی(ع) آن را از صاحب باطن یعنی حضرت محمد(ص) فرا می گیرد و خود دانای علم باطن و علم تأویل توأمان می شود. برای این اساس علی به عنوان امام عصرش و صاحب تأویل حجتی برای مساکین است و مرتبه حجت او هم چون مأوایی برای



مؤمنین و مساکین است تا مردم با علمش آرام گیرند (ابن منصور الیمن، بی تا: ۶۹-۷۰) هرچند این وجه ممتاز در ذریه علی (ع) و فاطمه (س) تداوم می یابد و در این صورت زمین هرگز از حجت خالی نخواهد ماند. اما بی تردید تنها حجت خدا بر زمین علی است که بدیلی برای او در فرهنگ شیعه اسماعیلیه نخستین نبوده است. لازم به ذکر است که رتبه حجت که از ابداعات شیعیان عصر امام صادق (ع) بشمار می آید، می تواند با شمولیتی فراتر گاه بر نبی یا رسول و یا امام بعد از او هم اطلاق شود (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۵۰) لیکن بعدها در سلسله مراتب دعوت اسماعیلیه از مقام امامت جدا شد و مقامی گردید که به شخصی که بلافاصله بعد از امام قرار می گرفت و در دوره ستر نماینده تام الاختیار امام مستور در میان مردم حاضر و پاسخ گو بود، اعطا شد. بدین ترتیب می توان تحول و تغییرات مبنایی را در مقام حجت در طی ادوار اسماعیلیه (نخستین، مستعلویه و نزاریه) ملاحظه کرد.

گرچه فراز و فرود در عقاید کلامی اسماعیلیه بسیار است اما تغییر جایگاه علی در این آراء بطی و آرام به نظر می رسد. چنانکه امام علی (ع) با قرار گرفتن در مرتبه پس از نبوت (ناطق) در موقعیت سلسله مراتبی مقام اساس یا وصی این مقام را تنها به خود اختصاص می دهد و در فرایند تکامل عقاید اسماعیلیه کمترین تغییر را بر نمی تابد. اما در باره تطابق، جدایی و یا تلفیق این دو رتبه میان متکلمان اسماعیلی اختلاف نظر وجود دارد. (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۱۸). چنانکه عده ای معتقدند که اساس، امام نیست بلکه مرتبه ای بالاتر از امام را دارا است. (واکر، ۱۳۷۷: ۱۰۸). اینان مرتبه نبوت و رسالت را مرتبه استیاد و مرتبه امامت و وصایت را مرتبه استقرار می دانند. گرچه در میان ادوار نبوت گاهی هر دو مرتبه توأمان نزد نبی گرد آمده و او را در مرتبه ویژه قرار داده است چنانکه دو مرتبه استیاد و استقرار نزد حضرت ابراهیم علیه السلام جمع شد. و وی پیش از رحلت این دو مرتبه را در میان فرزنداناش به ارث نهاد. به گونه ای که مرتبه استیاد را به اسحق و مرتبه استقرار را برای اسماعیل منظور کرد. بعدها آنان نیز این مرتبه را هم چون پدر میان فرزنداناش به ارث نهادند. و این روند ادامه یافت تا اینکه سرانجام هر دوی این مراتب بار دیگر نزد

عبدالمطلب جد پیامبر(ص) جمع شد و او نیز این دو مرتبه را میان فرزندان ابوطالب و عبدالله تقسیم نمود. حدیثی منسوب به پیامبر(ص) این موضوع را تأیید می کند، مبنی بر اینکه: "لم أزل أنا و انت یا علی من نور واحد و نتقل من الاصلاب الطاهره الی الأرحام الزکیه كلما ضمناً صلب و رحم ظهر لنا قدره و علم، حتی انتهینا الی الجد الافضل و الاب الاكمل عبدالمطلب فانقسم ذلك النور نصفین فی عبدالله و ابی طالب." (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۸۰-۸۱) اما پس از وفات ابوطالب و عبدالله، آن دو مرتبه میان فرزندان آنان تقسیم شد. تا اینکه روز غدیر خم پیامبر اکرم(ص) مرتبه استقرار را به پسر عم و داماد خود علی و فرزندان او از نسل فاطمه(س) داد. (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۸۱) مطابق با این نظر بعدها این دو مرتبه بار دیگر نزد امام قائم قیامت جمع می شوند. (همانجا) به همین دلیل می گویند که صاحب مرتبه استقرار هر وصی و ائمه‌ای از ذریه او است که دارای عین فضائل و صفاتی است که برای صاحب مرتبه استیداع مفروض است مگر در رسالت و نبوت، بنابراین تعریف، رسول خدا (ص) وجه الله است و امام علی(ع) نیز به همین صفت موصوف است.

افزون بر جایگاه علی در آراء کلامی اسماعیلیه متعادل، قرامطه به عنوان تندرویان مذهبی مدعیان نو اندیش برای علی(ع) جایگاهی متفاوت قائل شده اند. مطابق روایت نو بختی علی(ع) به جای حضرت آدم(ع) در سلسله انبیاء قرار دارد. بدین ترتیب جایگاه علی(ع) از حد اساس و وصی به مرتبه ناطق ارتقاء می یابد و از مقام امامت به نبوت تغییر جایگاه می دهد. با راه یافتن آراء نصیریان<sup>۱</sup> به میان نزاریان شام و بعدها طیبیه یمن می توان آثار غلو آمیز را در باره علی(ع) در آثار و افکارشان جستجو کرد.

##### ۵. نتیجه گیری

در یک جمع بندی نهایی از موضوع مورد بررسی می توان چنین دریافت که اسماعیلیه به عنوان یکی از سه شاخه اصلی فرق شیعه که همه هویت مذهبی و حاکمیت تئوکراسی ایشان با امامت منصوص علی بن ابی طالب(ص) پیوندی ناگسستنی خورده است، توانست پس از رحلت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق(ع) علم افتراق و استقلال افراشته، با خواندن محمد بن اسماعیل به عنوان امام منصوص طریق خود را از اثنی عشریان و زیدیان

<sup>۱</sup> پیروان محمد بن نصیر(م ۲۷۰هـ) و طرفدار الوهیت علی بن ابی طالب(ع)

بدور افکند. مطابق باور شیعی آنان امامت علی بن ابی طالب (ع) به عنوان وصی و جانشین رسول خداست (ص) امری مسلم و قابل اثبات با آیات و احادیث و روایات معتبر است. حاصل تحقیقات نشان می دهد که :

۱. اسماعیلیه با رویکرد سلسله مراتبی تمام وجاهت وصایت و امامت را در امام علی (ع) یکجا جمع نموده است و با خواندن او به عنوان وصی و اساس، علی (ع) را از سایر ائمه جدا می کند. این مقام در باور اسماعیلیه تنها منحصر به امام علی (ع) است و هیچ کس نمی تواند این مقام را بجز او دارا باشد. این قرائت نو از جایگاه امام موجب شد تا موضوع هفت امامیان به گونه ای متفاوت در میان فرق هم عصر جلوه کند.
۲. بررسی منابع اسماعیلیه نشان داد که علی (ع) در باور اسماعیلیه سر مطلع و جاهت و مشروعیت سیاسی و دینی آنهاست و حب به او و ریسمان ولایتش بنیان دین و قوام آنهاست. بی حب و عشق به ولایت علی (ع) دین داری معنا ندارد. اساساً رمز عبور از عالم دنی به ساحت علوی تنها با پذیرش ولایت علی (ع) امکان پذیر است.
۳. از بررسی های به عمل آمده چنین نتیجه حاصل شد که با چرخش رویکرد های ایدئولوژیک غالبانه در فرهنگ مذهبی اسماعیلیان، علی (ع) گاه در مرتبه ناطق و پیامبران الواعزم قرار می گیرد و از جرگه امامان خارج می شود. این خروج از منزلت امامت همه اسماعیلیان را شامل نمی شود لیکن این تصور که علی از مقام نبوت فراتر است و اساساً در ترکیب بندی سلسله مراتبی و نظام معرفتی شناخت او هم پایه شناخت خداست دستکم تا پایان دوره ی نزاری پابرجاست. این تلقی در آثار و منابع متقدم هم مندرج است.
۴. آنچه از بررسی بنیادهای فکری اسماعیلیان نخستین و تطور فرهنگ سلسله مراتبی حاصل شد اینکه به دلیل خارج کردن علی (ع) از زمره امامان منصوص و با جمع معنای ناطق، اساس، وصی و حجت در وی تلاش شد تا قرائتی نو در خوانش فهرست امامان حاصل شود و دو فرقه مستعلویه و نزاریه در باب نخستین امام دچار افتراق شوند چنانکه فهرست امامان در نزد مستعلویان با امام حسن (ص) و در فهرست نزاریان با نام امام

حسین(ع) به عنوان امام مستقر آغاز می شود. حال اینکه در نزد نزاریان و حتی قرامطه امام حسن امام مستودع است و نه مستقر؛  
 ۵. آخرین دستامد پژوهشی این که امام علی(ع) در هیافت های فکری و سلسله مراتبی اسماعیلیان جایگاهی بس ممتاز و منحصر بفرد دارد که به دلیل انحصار قابلیت انتقال از وی به سایر ائمه نیست.  
 منابع:

ابن الطویر، ابو محمد المرتضی عبدالسلام بن الحسن القیسرانی (۱۹۹۲م) نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، أعاد بناءه و حققه و قدّم له ایمن فؤاد سید، بیروت، الجمعية الامانیة للبحث العلمی ریا، دارالنشر فرانتس شتاینرشتوتگارت،  
 ابن خلدون: عبدالرحمن بن محمد، (بی تا) المقدمة، بیروت: دارالفکر.  
 ابن منصور الیمن، جعفر، (بی تا): کتاب الکشف، تحقیق و تقدیم مصطفی غالب، بیروت: دار الاندلس.  
 أربعه کتب اسماعیلیة منقول عن نسخة الخطیة هـ ۷۵ المحفوظه فی مکتبه امبروسیانه میلانو، (۲۰۰۲م) عنی بتصحیحها ر. شتروطمان، بیروت، موسسه النور للمطبوعات،  
 البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۹۹۶م) کتاب جمل من انساب و الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت دارالفکر.  
 تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، (۱۳۷۸ش) زیر نظر پی. ام هولت و آن. ک. س. لمتون، ترجمه احمد آرام، تهران، امیر کبیر  
 التیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۹۷۸م) المجالس و المسایرات، تحقیق الحبيب الفقی و ابراهیم شَبّوح و محمد الیعلوی، التونس، مطبعة الرسمية للجمهورية التونسية،  
 التیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد، (۱۴۲۳): المناقب المثالب، تحقیق، ماجد بن احمد العطیه، بیروت: الاعلمی للمطبوعات،

فاطمه جان احمدی ۱۴۳

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد، (۱۴۲۶ هـ): الدعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام عن اهل بيت رسول الله عليه و عليهم افضل السلام، تحقیق و تقدیم و تعریف، عارف تامر، بیروت: دارالاضواء،

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد، (۱۴۱۴): شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، بیروت دار الثقلمین.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد، (۱۹۹۶م) افتتاح الدعوة، بیروت، دار الاضواء؛

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد، (۱۹۹۶م) الهمه فی آداب اتباع الائمة، تحقیق محمد شریف علی الیمنی الحرازی، بیروت دارالاضواء.

دفتری، فرهاد، (۱۳۷۸ش) **مختصری در تاریخ اسماعیلیه**، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فرزانه روز،

دفتری، فرهاد، (۱۳۷۵ش) **تاریخ عقائد اسماعیلیه**، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فرزانه روز،

رازی، ابو حاتم احمد بن حمدان، (۱۳۷۷) کتاب الاصلاح، به اهتمام حسن مینو چهر و مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران،

سجستانی: الافتخار، (۱۹۸۰م) تحقیق مصطفی غالب، بی جا، دارالاندلس،

السجلات المستنصریة، (۱۹۵۴ م) تقدیم و تحقیق عبدالمنعم ماجد، مصر، دارالفکر العربی.

الشیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۹۶م) دیوان المؤید فی الدین، تحقیق محمد حسین کامل، بیروت، دار المنتظر؛

الشیال، جمال الدین، (۲۰۰۲م) مجموعه الوثائق الفاطمیهریال و ثائق الخلفه و ولایه العهد و الوزاره، القاهرة: مکتبه الثقافه الدینیة،

الشیرازی المؤید فی الدین، (۱۹۴۹م) سیره المؤید فی الدین داعی الدعاء، ترجمه حیاته بقلمه، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین، القاهرة، دارالکاتب المصری؛

الشیرازی المؤید فی الدین(۱۹۹۴م) المجالس المؤیدیه، حقق و علق محمد عبدالغفار القاهره،  
مکتبه مدبولی؛  
طوسی، خواجه نصیر الدین ابوجعفر محمد بن جعفر (۱۴۱۳ ق)، قواعد العقائد، مقدمه و  
تحقیق و تعلیق از علی حسن خازم: لبنان، دار الغربیه چاپ: اول  
طوسی خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن جعفر، (۳۶۳ش) روضه التسلیم یا تصورات،  
به تصحیح ولادیمیرایوانف، تهران نشر جامی، چاپ آفتاب،  
عبد المنعم ماجد، (۱۹۸۵م) نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، القاهره، مکتبه الانجلو  
المصریه؛  
علی بن محمد بن الولید(بی تا) تاج العقائد و معدن الفوائد، تحقیق عارف  
تامر، بیروت، دارالمشرق،  
قرآن کریم  
القریشی، ادیس عماد الدین بن حسین، (بی تا) عیون الاخبار و فنون الآثار، تحقیق و تقدیم  
مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس سلسله تراث الفاطمی.  
القلقشندی، احمد بن علی، (بی تا) صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، شرحه و علق علیه و قابل  
نصوصه محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالفکر، ج ۹.  
الکرمانی، احمد حمیدالدین (۱۴۰۷هـ)، الرساله الوضیه فی معالم الدین و اصوله، تحقیق و  
دراسه محمد عیسی الحریری، کتبت، دارالقلم للنشر و التوزیع؛  
الکرمانی، احمد حمیدالدین، (۱۹۸۳م)، تحفه المستجیبین، ثلاث رسائل اسماعیلیه، تحقیق  
عارف تامر، بیروت، دارالآفاق الجدیده،  
الکرمانی، احمد حمیدالدین(بی تا)، الرياض، تحقیق و تقدیم، عارف تامر، بیروت، دارالثقافه؛  
الکرمانی، احمد حمیدالدین: (۱۹۸۳م) راحه العقل، تحقیق و تقدیم، مصطفی  
غالب، بیروت، دارالاندلس.  
الکرمانی، احمد حمیدالدین: (۱۹۶۹م)، المصابیح فی اثبات الامامه، تقدیم و تحقیق مصطفی  
غالب، بیروت: منشورات حمد.  
کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، (۱۳۷۸ش) نظریه های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه  
فرهنگ ارشاد، تهران نشر نی،

فاطمه جان احمدی ۱۴۵

المفید، محمد بن محمد بن نعمان، (بی تا)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تهران: انتشارات علمیه.

المقریزی، تقی الدین احمد بن علی، ( ۱۹۶۷م)، اتعاظ الحنفاء باخبار الفاطمیین الخلفاء، تحقیق جمال الدین الشیال، أشرف علی إصدارها محمد توفیق عویضه، القاهرة، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه لجنة إحياء التراث الاسلامی،

منتخبات اسماعیلیه، (۱۹۵۸م)، تحقیق عادل العوّا، دمشق، مطبعه الجامعه السوریه؛ ناصر خسرو، ( ۲۵۳۶) وجه دین، به تصحیح و تحشیه و مقدمه غلامرضا اعوانی، مقدمه انگلیسی سید حسین نصر، تهران، انتشارات انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران واکر، پل.ای. (۱۳۷۷ش) ابویعقوب سجستانی، ترجمه فریدون بدره ای تهران: نشر، فرزانه روز.

واکر، پل.ای. (۱۳۷۹ش) حمیدالدین کرمانی، ترجمه فریدون بدره ای تهران: نشر، فرزانه روز.

هاجسن، مارشال، گ.س. (۱۳۶۹) فرقه اسماعیلیه، ترجمه و مقدمه و حواشی فریدون بدره ای تهران، انتشارات علمی فرهنگی؛

هالم، هاینتس (۱۳۷۷ش) فاطمیان و سنتهای تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون بدره ای، تهران نشر فرزانه روز.

همدانی، خواجه رشید فضل الله، (۱۳۸۸ه.ش) جامع التواریخ قسمت اسماعیلیان و فامیان و زاریا و داعیان و رفیقان، بکوشش محمد نقی دانش پژوه و محمد مدرسی، طهران، بنگاه ترجمه و شر کتاب.

الهندی البهروجی، حسن بن نوح، (بی تا)، کتاب الازهار و مجمع الانوار، ذیل منتخبات اسماعیلیه، تحقیق عادل العوّا، دمشق، مطبعه الجامعه السوریه؛

الیعقوبی، احمد بن احمد بن ابی یعقوب، ابن یعقوب بن جعفر بن وهب واضح، (بی تا) بیروت دار صادر؛